

درباره پیشینه کالایی که در زندگی مردم خراسان تنها یک طعم دهنده غذایی محسوب نمی‌شد

مردم نمک می‌خواستند یا مشروطه؟

سیده نعیمه زینبی نمک همیشه کنار نان بوده است و نان در این دیار، هم قافیه جان، برای همین، اگر بخواهیم از زندگی مردم خراسان حرف بزنیم، نمی‌شود از کنار نمک ساده گذشت؛ ماده‌ای که هم پای ثابت سفره بوده و هم تکیه‌گاه روزهای بی‌سرد خانه و بی‌پنجال. روزگاری نمک فقط مزه غذا را کامل نمی‌کرد؛ نگهداری گوشت و لبنیات، نمک‌سود کردن پوست و روده و بسیاری از کارهای ریز و درشت معیشت شهری و روستایی به همین دانه‌های سفید گره خورده بود. قصه نمک در این خطه، فقط قصه آشپزخانه نیست؛ قصه معدن است و راه و بار قصه بازار و قیمت و گاهی قصه دعوا و اعتراض. از معادن و نمک‌زارها تا اجاره‌داری و مزایده، از انبار و توزیع تا حساسیت نانوaha و نگرانی مردم از گرانی تا جایی که حتی مشروطه خواهی را هم در برهه‌ای از تاریخ تحت تأثیر قرار داد. ما رد نمک را از لایه‌لای سندها، خبرها و خاطره‌های شهر دنبال کردیم و تا در این گزارش قصه پر ماجرای آن را بازگو کنیم: سرگذشت کالایی که ساده به نظر می‌رسد، اما اگر دقیق‌تر نگاه کنیم، بخش مهمی از تاریخ معیشت و اقتصاد مشهد و خراسان است.

- جغرافیای نمک در خراسان

نمک از کهن‌ترین مواد معدنی مورد استفاده انسان بوده‌است و شواهد باستان‌شناختی نشان می‌دهد که استخراج آن در ایران نیز دست‌کم از دوره هخامنشی رواج داشته است. مهم‌ترین نمونه شناخته‌شده، معدن نمک چهرآباد در نزدیکی زنجان است که آثار بهره‌برداری از آن به قرن پنجم پیش از میلاد می‌رسد؛ همان معدنی که به‌سبب کشف «مردان نمکی» شهرت یافته است. این معدن نشان می‌دهد که نمک در ایران باستان، نه‌تنها کالایی خوراکی، بلکه ماده‌ای مهم برای نگهداری مواد غذایی، دادوستد و فعالیت‌های صنعتی بوده است.

این معدن در دوره ساسانی نیز دوباره به‌کار گرفته‌شد و شواهدی از روش‌های نسبتاً پیشرفته استخراج، مانند شیوه «اتاق و پایه»، در آن دیده می‌شود. در دوره‌های بعد نیز معادن نمک در نواحی گوناگون ایران، ازجمله زنجان، سمنان، قم، گرمسار و بخش‌هایی از خراسان، اهمیت اقتصادی خود را حفظ کردند و نمک هم در زندگی روزمره و هم در تجارت داخلی جایگاهی پایدار داشت.

در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی پایان‌نامه‌ای قدیمی وجود دارد که در آن، دانشجویی به نام «اکبر توکلی‌راد» در سال ۱۳۵۸ تلاش کرده است آمار دقیقی از معادن استان خراسان ارائه دهد. او درباره معدن نمک می‌نویسد:

«خراسان دارای سه معدن نمک سنگی در سلطان‌آباد، عمارلو و حصار یزدان نیشابور، با مقدار سالانه ۱۰ هزار تن، و چهار معدن نمک آبی در تربت‌جام، جاجرم، طبس و سبزوار است که سالانه ۴هزار و ۵۰۰ تن استخراج دارند. قیمت هر تن نمک در مشهد ۷۰۰ ریال است.»

در مستندات مطبوعاتی نیز از معدن عمارلو در حوزه نیشابور، نمک‌زار سبزوار، نمک بلوری بردسکن، معدن‌کوهسرخ، معدن تربت‌جام و معدن بازه‌هور، از املاک وقفی آستان قدس، یاد شده است. این پراکندگی جغرافیایی نشان می‌دهد که نمک، برخلاف برخی مواد وارداتی، منبعی بومی و منطقه‌ای در خراسان بود، اما بومی بودن الزاما به معنای ارزانی و دسترسی آسان نبود. زیرا نظام واگذاری، حمل‌ونقل، انحصار و واسطه‌گری بر قیمت آن اثر مستقیم می‌گذاشت.

- نمک فقط خوراک نبود!

نمک در خراسان دوره قاجار و سال‌های پس از آن، تنها جاشنی خوراکی نبود، بلکه یکی از پایه‌های اصلی معیشت روزمره به‌شمار می‌رفته. اهمیت این ماده را باید در جهانی فهمید که هنوز از یخچال، سردخانه و شیوه‌های نوین نگهداری مواد غذایی خبری نبود.

در چنین شرایطی، نمک مهم‌ترین ابزار حفظ و ماندگارسازی خوراک، به‌ویژه گوشت، بود. گوشت تازه اگر در مدت کوتاهی مصرف نمی‌شد، به‌سرعت فاسد می‌شد؛ بنابراین نمک‌سود کردن، یعنی خواباندن گوشت در نمک یا آغشته کردن کامل آن به نمک، یکی از رایج‌ترین و ضروری‌ترین شیوه‌های نگهداری به‌شمار می‌آمد. این کار هم در خانه‌ها و هم در مشاغل وابسته به تولید و توزیع مواد غذایی انجام می‌شد و به مردم امکان می‌داد گوشت را برای مدت طولانی‌تری ذخیره کنند. از این ماده حتی در درمان‌های خانگی ورم یا کاهش درد نیز استفاده می‌شد.

کاربرد نمک البته به استفاده خانگی محدود نمی‌شد. یکی از صنف‌هایی که بیشترین استفاده را از نمک داشت و در دوره گرانی آن بیش از همه اعتراض می‌کرد، صنف خبازان بود. کمبود و گرانی



ورودی معدن نمک سلطان‌آباد



اهمیت معادن نمک به حدی بالاست که معدن آن در شهری چون نیشابور به همراه معدن فیروزه به اجاره داده می‌شد. این اهمیت به حدی بود که در سال ۱۳۱۲ خورشیدی یک اداره یا عنوان «اداره معادن فیروزه و نمک نیشابور مشهد، برای آن تأسیس کرد

نمک، که برای تخمیر نان ضروری بود، جنات ناخواه را به ستوه آورد که در سال ۱۳۲۷ اقدام به تأسیس شرکت سهامی پخش نمک کردند. آنان پانصد سهم هزارریالی را واگذار کردند تا با کوتاه کردن دست واسطه‌ها، دسترسی آسان‌تر و

به‌صرفه‌تری به نمک داشته باشند.

این دانه‌های بلورین در نگهداری برخی فراورده‌های دامی، پوست و روده نیز نقشی اساسی داشت. اگر روده بلافاصله پس از ذبح و پاک‌سازی در بلورهای نمک قرار نمی‌گرفت، خیلی زود فاسد می‌شد و دیگر قابلیت مصرف صنعتی یا صادراتی نداشت. اسناد مربوط به تجارت روده‌های نمک‌سود نشان می‌دهد که اداره فلاح‌ت در سال ۱۳۱۵ خورشیدی، آگهی درباره باربندی روده‌های کم‌نمک به مقصد جمahir شوری در جراید منتشر کرد تا شرایط بسته‌بندی آن‌ها را یادآور شود. در دباغی پوست نیز نمک، این چاشنی دیرینه، برای جلوگیری از فساد اولیه و آماده‌سازی پوست پیش از مراحل بعدی ضروری بود. حدود سال ۱۳۱۳ خورشیدی، دولت به‌تجار صادرکننده پوست بز و گوسفند، اعم از پوست خام خشک‌شده، نمک‌سود و دباغی‌شده یا تیماج و چرم، به‌ازای هر من، پنجاه دینار جایزه صدارتی می‌داد. ازاین‌رو، نمک باقصابی، دباغی، روده‌سویی و حتی تجارت برون‌مرزی پیوند داشت.

در کنار این کاربردهای ضروری، اسناد مطبوعاتی و شکایات‌های موجود نشان می‌دهد که بلورهای سپیدگاه وسیله‌ای برای تقلب در بازار نیز بود. در برخی موارد، به‌پینه و تیاکو نمک می‌زدند تا با افزایش وزن، بهای بیشتری از خریدار بگیرند یا آن را به صابون می‌افزودند تا وزنش بیشتر شود و کیفیت واقعی‌اش پنهان بماند. بنا بر گفته قدیمی‌ها، گاهی نیز به گوسفند نمک می‌دادند تا با نوشیدن آب بیشتر، وزن بیشتری روی ترازوی فروش نشان دهد. این شواهد نشان می‌دهد که این ماده راهبردی، افزون بر استفاده‌های مفید، می‌توانست به ابزاری برای سودجویی و تقلب نیز تبدیل شود.

- نمک قاجاری، فیروزه‌های شور

اسناد و آگهی‌های اداری دوره قاجار و سال‌های پس از آن نشان می‌دهد که خراسان از نظر دسترسی به منابع نمک، منطقه‌ای فقیر نبود و بخش زیادی از نمک مصرفی استان در خود آن تولید می‌شد. اخبار مربوط به نمک در مطبوعات،

دانست که نمک از سطح نیاز روزمره به سطح یک مسئله حکمرانی و منبع درآمد تبدیل شد.

- گذار از سنت به شرکت

در اخبار دوره پهلوی اول، اداره مالیه مسئله وثیقه و حق الضمانه معدن فیروزه و نمک را مطرح می‌کند. ظاهرا در بهمن ۱۳۰۶، آقای ساعد این معادن را اجاره کرد و حدود سه چهارم خانه مسکونی خود در نیشابور و یک چهارم مزارعش در سرخس را به عنوان وثیقه اجاره معادن به این اداره سپرد. این سخت‌گیری اداره مالیه و ریسک‌پذیری سرمایه‌گذار، از سودآوری این معادن حکایت دارد.

بلدیه در این دوره بر دروازه‌ها و توزیع کالاهای اساسی نظارت مویرگی داشت و برای هر بار الاغ نمک که وارد شهر می‌شد، ۲۵ دینار حق قیانداری (تعرفه) دریافت می‌کرد. در سال ۱۳۱۲، کشف معدن تازه‌ای از نمک بلوری در بردسکن و انعکاس آن در روزنامه آفتاب شرق، اهمیت تأمین نمک در نواحی مختلف خراسان را آشکار کرد. ظاهرا شهرهایی مانند بجنورد در تأمین این ماده حیاتی با محدودیت روبه‌رو بودند و نیاز خود را از کال‌شور جاجرم یا نیشابور تأمین می‌کردند. از این منظر، کشف معدن جدید فقط یک خبر معدنی نبود، بلکه پاسخی به نیازی معیشتی و منطقه‌ای محسوب می‌شد.

در همین سال هاست که پای شرکت‌ها به استخراج نمک باز شد. نخستین شرکتی که برای استخراج و تجارت فیروزه و نمک شکل گرفت، شرکت تضامنی فیروزه پرورش و حمیدزاده با سرمایه صد هزار ریال بود. در این زمان نخستین تبلیغ برای خرید نمک‌های این شرکت در جراید به چاپ رسید تا اندک‌اندک این ماده خام به یک کالای بازاری دارای برند تبدیل شود. آگهی‌های این شرکت با تأکید بر سفیدی و تمیزی نمک‌های بلوری و ساییده ادامه داشت تا جایی که حتی آن را رافع سنگ مثانه اعلام کردند. بنابراین، در این دوره، مسئله نمک در خراسان وارد مرحله‌ای تازه شد؛ مرحله‌ای که در آن بهره‌برداری از معادن با شکل‌گیری فعالیت‌های شرکتی بیش از پیش به هم گره خورد. در این دوره نشانه‌های آشکاری از اداری‌شدن، تجاری‌شدن و حتی برندسازی این کالا دیده می‌شود.

- نمک؛ از گرانی بازار تا اعتراض صنفی

در سال ۱۳۲۳، مزایده اراضی بازه‌هور توسط آستان قدس، از وجود یکی دیگر از کانون‌های تولید نمک در خراسان پوستی برمی‌دارد. در همان سال، مزایده نمک‌زار تربت‌جام نیز نشان می‌دهد که دولت به دنبال بهره‌برداری و درآمدزایی سازمان‌یافته از این منبع بود.

در میانه دهه ۱۳۲۰ نیز شرکت سهامی نمک خراسان شکل گرفت؛ روندی که از جایگزینی تدریجی ساختارهای شرکتی به جای مناسبات سنتی تجارت و اجاره‌داری حکایت دارد. هم‌زمان، گرانی پیایی نمک و شکایت از احتکار و عرضه گران آن، صفات روزنامه‌ها را پر کرد و اعتراضات صنفی را به سطح اجتماع کشاند. در این میان، حسین اردکانیان، نماینده خبازان مشهد، از پیگیران اصلی مسئله است و با طرح اعتراضات در جراید، فشار صنفی را افزایش داد. در نتیجه، شرکت سهامی پخش نمک توسط اتحادیه خبازان تأسیس شد تا از طریق مداخله مستقیم، قیمت نمک کنترل شود، در همین مسیر، صنف پوست‌فروش‌ها و دباغان نیز به معترضان پیوستند. نامه سرگشاده حاج محمدصادق پوستی که از افزایش نرخ نمک از ۱۲۰ ریال برای ۳۰۰کیلو به ۲۷۰ ریال انتقاد می‌کند، به خوبی نشان می‌دهد که نمک همچنان کالایی پرارزش و محل منازعه اقتصادی بوده است. نهایتاً انجمن شهرداری مشهد با دعوت از شاکیان و غلامرضا کاشانی، مستأجر معادن، قیمت هر خورار نمک عمده را ۱۵۰ ریال و خرده را ۱۸۰ ریال تعیین کرد و برای توزیع مستقیم و نظارت بر بازار، شعباتی نیز ایجاد شد. اهدای ۱۲۰۰کیلو نمک برای تعمیر مدرسه درزیاد بالا و خبر سرقت نمک با سه الاغ از کوه نمک سالار در تربت‌حیدریه نیز نشان می‌دهد که نمک در این دهه هنوز یک دارایی اقتصادی معتبر و قابل مبادله در خراسان بود. همچنین مزایده نمک بچستان در اطراف کاشمر، نمک آبقد و عمارلو نیشابور و نمک‌زار تربت‌جام گواه آن است که این نواحی از پایگاه‌های فعال تولید نمک در استان به‌شمار می‌آمدند.

- نمک در سال‌های پس از انقلاب

پس از انقلاب اسلامی، مدیریت معادن به ساختار رسمی وزارت صنایع و معادن (و بعدها صمت) منتقل شد. امروزه بهره‌برداری از این منابع تحت نظارت قانون معادن و از طریق صدور پروانه‌های بهره‌برداری و اکتشاف انجام می‌شود. اگرچه آمار دقیق تولید سالانه به تفکیک هر معدن در گزارش‌های عمومی کمتر دیده می‌شود، اما معادنی مانند سلطان‌آباد (نیشابور) همچنان از قطب‌های اصلی تأمین نمک صنعتی و بهداشتی استان هستند. امروزه بخش بزرگی از نمک استخراج‌شده در خراسان، پس از فراوری در کارخانه‌های نمک تصفیه‌شده و ییددار، وارد چرخه مصرف خانگی و صنعتی می‌شود و برخلاف دوران گذشته رعایت استانداردهای بهداشتی و خلوص شیمیایی، ملاک اصلی کیفیت و سلامت این کالای باستانی در بازار مدرن است.

ایران نامه

گذری بر کشف یک اسکلت عجیب در نیشابور ۱۰۰سال پیش که به موزه نمی‌رسد

استخوان‌هایی بزرگ با قبری ۹متری

تراپی‌ا خبر کشف گنج یا دفینه، همیشه ازجمله اخبار جذابی است که توجه خوانندگان جراید را به خود جلب می‌کند. این جذابیت مختص مردم امروز نیست و در گذشته نیز وجود داشته است. البته امروزه شاید اخبار کشف دفینه، به‌دلیل حفاظت از مناطقی که این آثار تاریخی در آن‌ها پیدا می‌شوند، چندان بازتآب خبری نداشته باشد، اما در مطبوعات قدیمی تقریباً هر چند روز یک‌بار می‌توان چنین اخباری را مشاهده کرد. در اغلب موارد نیز این اخبار ادامه‌دار بوده‌اند و مخابران جراید، گزارش پیگیری‌های خود درباره دفینه‌ها را به‌طور مرتب چاپ و منتشر می‌کردند.

برای نمونه، روزنامه بهار، سال ۱۲۰۷ از کشف دفینه‌ای بزرگ در نزدیکی نیشابور خبر می‌دهد و می‌نویسد: «مأمور کاوش تبه آلپ ارسلان اظهار می‌دارد در کاوش، خمی پیدا شده که تقریباً گنجایش ۶۰ تن… احتمالاً اشتباه نگارشی است. آب دارد. از قرار معلوم، عده خم‌ها یازده عدد بوده که مابقی شکسته درآمده و خشت‌هایی که درآمده، وزنش قریب ۲۰ من، سطحش یک ذرع مربع و قطرش سه گره است. در همانجا آسیاب دستی پیدا شده که نصفش شکسته است. موقعی که عمه جات خواسته‌اند آن را بردارند، با وجودی که عده‌شان شش نفر بوده، نتوانسته‌اند. همچنین گلوله‌های معوجی پیدا شده که تقریباً به طول یک ذرع و به شعاع یک چارک است. دندانی پیدا شده که ۱۴ مثقال وزنش بوده، پنجه‌ای از مچ بریده شده، بدون انگشت، پیدا شده که آن را باره بریده‌اند و عرضش تقریباً دو گره و نیم است. همچنین از چاهی که حفر کرده‌اند، تقریباً به اندازه ۳ هزار دانه تسبیح کوچک یَسر و به اندازه سه من یَسر نتراش، که هر قطعه‌اش سه تا پنج سیر وزن داشته، به دست آمده است. کاشی‌هایی نیز پیدا شده که یکی از آن‌ها دارای تاریخ بوده و به خط کوفی بسیار ریز، ۷۱۵، نوشته شده است.»

این خبر اما اینجا به پایان نمی‌سد و دو روز بعد، خبرنویس این روزنامه با تیتَر «کشفیات مهم در نیشابور» توضیح می‌دهد که گویا کمی پایین‌تر از کشف دفینه، یک اسکلت عجیب انسان هم پیدا شده است که اندازه آن از اندازه اسکلت بدن انسان معمولی بسیار بزرگ‌تر بوده است؛ «در موقعی که خودشاهزاده افسری (کسی که از طرف نظمی، برای یازدید از محل دفینه رفته بوده) مشغول امتحان برای پیدا کردن محل حفریات بوده‌اند، به قبر خیلی بزرگی که از آجر بنا شده، برخوردند اند که هر آجر آن سه چهارم‌تر عرض و سه چهار مترهم طول داشته، اسکلت مرده پیدا شده که سر او دو برابر سرهای معمولی بوده است.»

خبرنویس در ادامه در توصیف وضعیت این اسکلت که گویا براثر شکنجه مرده بوده، چنین آورده است: «از شقیقه راست الی چپ ده گل میخی آهنی که خیلی ضخیم بوده، به سر او کوبیده شده بود، یک غداره که سه چهار یک قد و سه انگشت پهنا داشته از آهن به پهلوی آن میت گذارده شده بود.»

متأسفانه از آنجا که در آن دوران هنوز اطلاعات کافی درباره جابه‌جایی این دست کشفیات وجود نداشته، آن قداره و اسکلت در وقت انتقال به شهر بر اثر دست‌پسیدگی، خرد و نابود می‌شود و هرگز به هیچ موزه‌ای راه پیدا نمی‌کند؛ «به محض آن که غداره را بلند کردند، چون زیاد زنگ زده بوده، پنج شش قطعه شده و خود کله(سر) هم از زیادی در موقع حرکت از زیادی کهنگی بهم پاشیده در اطراف حفریات قصر آلپ ارسلان می‌ریزد و نابود می‌شود.»

تاریخ نگار

رنگ کردن مردگان در ایران باستان



گروه تاریخ و هویت‌ا در برخی فرهنگ‌های پیشاتاریخی فلات ایران، رسم بود که بیکر درگذشتگان را با رنگ سرخ بپوشانند یا با خاک سرخ و گل آخرای تزیین کنند. این رنگ که از اکسیدآهن به‌دست می‌آمده، در بسیاری از مناطق ایران به فراوانی یافت می‌شده است. برخی پژوهشگران معتقدند رنگ سرخ نماد زندگی، خون، تولد دوباره یا باورهای آیینی مربوط به جهان پس از مرگ بوده است. البته در دوره‌های بعد، به جای رنگ‌آمیزی کامل بدن، روی استخوان‌ها یا پیرامون محل دفن با گل سرخ‌رنگ، نقش‌هایی ایجاد می‌کردند. جالب است بدانید که این سنت، تنها محدود به ایران نبوده و در بسیاری از محوطه‌های باستانی اروپا، مدیترانه و بین‌النهرین نیز نمونه‌هایی از تدفین با خاک سرخ کشف شده است. باستان‌شناسان این شیوه را یکی از کهن‌ترین آیین‌های تدفین بشر می‌دانند که قدمت آن در برخی مناطق به ده‌ه‌ها زرسال پیش می‌رسد.

سنگ قبر پاکال؛ فضانورد باستان یا نمادی اسطوره‌ای؟



اردلان| تصویری که می‌بینید، نقش برجسته روی سنگ قبر پاکال بزرگ، فرمانروای تمدن مایا در سده هفتم میلادی است که در شهر باستانی پالئکه مرکزیک کشف شده است. برخی از طرف‌داران نظریه «بیگانگان باستانی» ادعا می‌کنند این نقش پاکال را در حال هدایت یک سفینه فضایی نشان می‌دهد. با این همه، باستان‌شناسان و پژوهشگران مایا معتقدند این تصویر، نمادی مذهبی و اسطوره‌ای از سفر پاکال به جهان پس از مرگ و ارتباط او با «درخت کیهانی» در باورهای مایایی است. نه یک فناوری پیشرفته. امروزه این سنگ قبر یکی از مشهورترین آثار تمدن مایا و نمونه‌ای برجسته از هنر و باورهای مذهبی این تمدن محسوب می‌شود.